

روایتی از گرفتاری مضاعف کارگران در ایام جنگ

حقوقی که نمی‌رسد و بیمه بیکاری که نمی‌آید



بدهی‌های فرد را تسویه کند اما دیگر نتواند از فروش وسایل خانه، قرض گرفتن یا عقب‌افتادن اجاره جلوگیری کند.

۱۳۷هزار مقرر ی بگیر؛

۲ هزار میلیارد تومان پرداخت

تأمین اجتماعی اعلام کرده در دوره جنگ اخیر، حدود دو هزار میلیارد تومان مقرر ی بیمه بیکاری برای ۱۳۷ هزار نفر پرداخت کرده است. این سازمان حدود ۴۱ میلیون بیمه‌شده اصلی و تبعی و حدود ۹ میلیون بازنشسته و مستمری بگیر اصلی و تبعی را پوشش می‌دهد. این ارقام نشان می‌دهد صندوق بیمه بیکاری در بحران فعال شده اما هم‌زمان افزایش سریع متقاضیان، فشار تازماری بر منابع تأمین اجتماعی ایجاد کرده، در خراسان رضوی، هزینه‌های ماهانه تأمین اجتماعی شامل مستمری‌ها، تعهدات و در مان از حدود شش هزار میلیارد تومان در سال قبل، برای سال جاری حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان برآورده‌شو و مسئولان استانی درباره فشار افزایش مقرر ی بگیران هشدار داده‌اند.

کار فرما همیشه متهم نیست

در این مناقشه، ساده‌ترین روایت آن است که کار فرما را متهم کار گر را قربانی مطلق معرفی کنیم یا برعکس، تمام مشکلات را به پایین بودن بهر دوری، ترک کار و توقع بالای نیروی انسانی نسبت دهیم. واقعیت بازار کار هر دو روایت پیچیده‌تر است.

برخی کار فرما میان واقعاً از جنگ، رکود و افزایش هزینه‌ها آسیب دیده‌اند و برای پرداخت حقوق با مشکل نقدینگی مواجه‌اند. برخی دیگر نیز ممکن است از وضعیت بحرانی برای تعدیل رازان تر نیرو، نپرداختن بیمه یا تحمیل استعفا استفاده کنند. در مقابل، بیشتر کار گر ان برای حفظ تنها منبع درآمد خود تلاش می‌کنند اما احتمال تبانی، اشتغال پنهان هم‌زمان با دریافت مقرر ی با معرفی استعفا به عنوان اخراج نیز به‌طور کامل قابل انکار نیست.

تفاوت در این است که ابزار دو طرف برای عبور از بحران متفاوت نیست. کار فرما دارای حساب‌بنگاه، امکان مذاکره با بانک و فرصت تعدیل هزینه دارد؛ کار گری که شغلش را از دست می‌دهد، معمولاً تنها دارای قابل فروش خود یعنی نیروی کارش را از دست داده است. به همین دلیل، قانون باید هم امکان دفاع کار فرما را حفظ کند و هم اجازه ندهد ضعف قرار داد و مدارک، کار گر را از حمایت اجتماعی محروم کند.

ایستاده میان دو ناملنی

رضادر پایان هنوز کاری می‌خواهند، نه مقرر ی دائمی. حمید نیز مشتری و سرمایه در گر دش می‌خواهد، نه مجوز اخراج آسان. مشکل از جایی آغاز می‌شود که حمایت از کار گر فقط بعد از تعطیلی کار گاه شروع می‌شود و حمایت از کار فرما نیز زمانی می‌رسد که بنگاه دیگر توان پرداخت حقوق ندارد.

کار گر ایرانی امروز میان دو ناملنی ایستاده است: وقتی است است، مزدش از هزینه زندگی عقب می‌ماند؛ وقتی بیکار می‌شود، باید ثابت کند خودش نخواست بیکار شود. آن سسوی ماجرا، کار فرمایی قرار دارد که می‌گوید حفظ شغل با صندوق خالی ممکن نیست.

پاسخ این بحران انتخاب یکی از این دو طرف نیست. راه‌حل، ساختن مسیری است که بنگاه پیش از تعطیلی حمایت‌شود، کار گر پیش از سقوط مقرر ی بگیرد و هیچ کدام برای اثبات واقعیت، ماه‌ها میان اداره کار و تأمین اجتماعی سرگردان نمانند.



عدد دقیق، صحیح نخواهد بود. باقی همچنین اشاره به موضع وزارت کار مبنی بر اینکه فعلاً بر نامه‌ای برای بازنگری دستمزد تا پایان شهر یور وجود ندارد، اظهار کرد که پس از نهایی شدن محاسبات، نتایج به اطلاع رسانه‌ها خواهد رسید.

از بر گه‌هایی که امضا کرده، به عنوان استعفادر پرونده قرار گرفته است. او می‌گوید: «من استعفا ندادم. گفتند اگر امضانکنی، تسویه و سنوات عقب می‌افتد. حالا اداره کاری می‌گوید روی کاغذ خودت خواسته‌ای بروی».

مدیر مجموعه اما روایت متفاوتی دارد: «قرار داد تمام شده بود و مجموعه دیگر توان تمدید نداشت. اخراجی در کار نبود. نمی‌شود هر قرار داد تمام‌شده‌ای را اخراج حساب کرد». اختلاف فقط بازی با واژه‌ها نیست. دریافت بیمه بیکاری به این سستگی دارد که بیکاری فرد «بدون میل و اراده» و «اتفاق افتاده باشد. فردی که استعفا داده از متقاضیان فقط تعداد مدارک نیست. اختلاف میان کار گر و کار فرما بر سر سئوع پایان همکاری، ثبت نشدن آخرین ماه بیمه، نبود نامه عدم نیاز، مشکلات سامانه و رفت و برگشت پرونده میان اداره کار و تأمین اجتماعی می‌تواند زمان رسیدگی را طولانی کند.

در این نقطه، قرار داد سفید امضا یا بر گه‌ای که کار گر نسخه‌ای از آن ندارد، قدرت اثبات را یک طرف می‌گیرد و به طرف دیگری می‌دهد. کار فرما ممکن است بگوید امضای متعلق به کار گراست. کار گر نیز می‌گوید هنگام امضای من کامل نبوده یا امکان واقعی مخالفت نداشته است.

کاری که در سابقه بیمه دیده نمی‌شود

داستان «سجاد» با استعفا و اخراج شروع نمی‌شود؛ با سابقه بیمه ناقص شروع می‌شود. او مدعی است ۱۸ ماه در یک فروشگاه لوازم خانگی کار کرده اما فقط ۱۰ ماه سابقه بیمه‌ایش ثبت شده

است. کار فرما می‌گوید: «شش ماه اول آزمایشی و پاروقت بود. بعد هم خود سجاد چند ماه نامنظم می‌آمد». سجاد پاسخ می‌دهد: «هر روز سر کار بودم. حقوق هم به حساب می‌آمد. وقتی اعتراض کردم که چرا بیمه رد نشده، گفتند اگر ناراضی هستی جای دیگری کار کن».



طبق قانون، کار فرما موظف است حق بیمه نیروی مشمول را بر پرداخت کند اما وقتی اختلاف ایجاد می‌شود، کار گر باید راه کاری، مدت اشتغال و میزان مزد خود را با قرار داد، فیش حقوقی، واریز بانکی، پیام‌ها، حضور و غیاب یا شهادت همکاران اثبات کند. پرداخت نشدن حق بیمه توسط کار فرما صولاً نباید حق قانونی کار گری را که رابطه کاری او احراز شده، برین بر دهمشکل این است که رسیدن به مر حله احراز، ممکن است زمان بر باشد. در این مدت، فرد نه حقوق دارد و نه هنوز مقرر ی اش برقرار شده است.

اخراج یا استعفا؟

«مریم» در یک مجموعه گردشگری کاری کرد. قرار داد سه ماهه داشت و هنگام استخدام چند بر گه را بدون دریافت نسخه امضا کرد. پس از جنگ فعالیت مجموعه کاهش پیدا می‌کند. مدیر به او می‌گوید فعلاً نیاز ی به حضورش نیست و برای تسویه حساب باید بر گه‌ای را امضا کند. چند هفته بعد، مریم برای بیمه بیکاری اقدام می‌کند اما متوجه می‌شود یکی

کار گری می‌گوید تا وقتی شاغل بود، حقوقش به آخر ماه نمی‌رسید و حالا که بیکار شده، بیمه بیکاری اش به چند روز اول ماه بیشتر نمی‌رسد. کار فرما اما دفتر حسابدش را جلومی‌گذارد و می‌گوید فروش کم شده، هزینه‌ها بالا رفته و نگه داشتن همان شغل نیز دیگر آسان نیست. میان این دو روایت، پرونده‌ای مانده که باید مشخص کند پایان همکاری «استعفا» بوده یا «اخراج»؛ پرونده‌ای که قبض اجاره و هزینه خوراک منتظر نتیجه آن نمی‌ماند.

به گزارش اقتصادنیوز، رضا هشت سال در یک کار گاه قطعه‌سازی کار کرده. صبح زود از خانه بیرون می‌رفته، اضافه کاری می‌مانده و گاهی جمعه‌ها نیز سر کار حاضر می‌شده. تا چند ماه قبل، مشکل اصلی او بیکاری نبود؛ مشکل این بود که با وجود داشتن شغل، باز هم نمی‌توانست مخارج خانواده‌اش را پوشش دهد. می‌گوید: «دو ماه حقوق‌مان عقب افتاد. بعد گفتند بازار خراب است و باید مدتی نصف شیفیت کار کنیم. قبول کردیم چون فکر می‌کردیم نصف حقوق بهتر از بیکاری است اما خرش گفتند فعلاً نیاید».

آن طرف میز «حمید» صاحب همان کار گاه ۱۲ نفره، حرف دیگری دارد: «سفارش‌ها کم شد، مواد اولیه را باید نقد می‌خریدیم، مشتری‌ها پولشان را دیر می‌دادند و حقوق کار گر را باید سه ماه پرداخت می‌کردیم. من کار گر را دشمن خودم نمی‌دانم ولی وقتی پولی وارد حساب بنگاه نمی‌شود، حقوق از کجا پرداخت‌شود».

هر دو طرف بخشی از واقعیت را می‌گویند. برای سال ۱۴۰۵ حداقل مزد روزانه کار گر ان ۵۵۴ هزار ۱۸۵ تومان تعیین شده که پایه مزد ماهانه را به حدود ۱۶ میلیون و ۲۲۵ هزار تومان می‌رساند. در همان بازگرت مزدی، رقم سید معیشت خوراک کار گری ۴۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان اعلام شد یعنی پایه حداقل مزد حتی به ۴۰ درصد این سبد نیز نمی‌رسد. البته مزایایی مانند حق مسکن، بن کار گری و حق اولاد به دریافتی اضافه می‌شود اما شکاف میان مزد و هزینه زندگی همچنان مضاعف است. کار گری باقی می‌ماند. حساب کار فرما نیز فقط به همان ۱۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان ختم نمی‌شود. طبق مقررات تأمین اجتماعی، نرخ حق بیمه کار گر ان مشمول ۳۰ درصد مزد و مزایای مشمول بیمه است؛ ۹ درصد سهم کار گر و ۲۳ درصد سهم کار فرماست و ۴ درصد بیمه بیکاری نیز توسط کار فرما پرداخت می‌شود. در یک محاسبه ساده، اگر ۱۲ کار گر فقط حداقل مزد پایه در یافت کنند، مجموع پایه مزد آنها نزدیک به ۱۹۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌شود. سهم ۲۳ درصدی کار فرما از بیمه‌ای مبلغ نیز حدود ۴۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است، یعنی هزینه پایه مزد سهم بیمه کار فرما، پیش از اضافه شدن حق مسکن، بن، سنوات، اضافه کاری، عیدی و سایر هزینه‌ها، ۲۲۵ میلیون تومان عبور می‌کند. این عدد توضیح می‌دهد چرا کار فرمای کوچک از هزینه حفظ اشتغال می‌گوید اما هنوز توضیح نمی‌دهد چرا حقوق کار گر باید بقیه بفتد، سابقه بیمه او ثبت نشود یا پایان همکاری به شکلی نوشته شود که راه بیمه بیکاری بسته بماند.

حقوق بالا رفت؛ امنیت شغلی پایین آمد

کار گر ان سسال ۱۴۰۵ را با افزایش ۶۰ درصدی حداقل مزد آغاز کرد. این افزایش روی کاغذ قابل توجه بود اما در اقتصادی که هزینه خوراک، اجاره، درمان و حمل و نقل مدام بالا می‌رود، افزایش اسمی حقوق او به معنای افزایش قدرت خرید نیست.

برای کار فرما میان نیز اجرای مزد جدید در ست در دوره‌ای آغاز شد که بسیاری از بنگاه‌ها کاهش تقاضا، اختلال در تأمین مواد اولیه، مشکل نقدینگی و پیامدهای جنگ رویه رو بودند. نتیجه این تقاطع، یک مناقشه قابل پیش‌بینی بود: کار گر گری می‌گفت دستمزدی که می‌گیرد هنوز برای زندگی کافی نیست و کار فرما می‌گفت همین دستمزد را نیز دیگر نمی‌تواند از محل فروش بنگاه تأمین کند.

رضا می‌گوید: «وقتی حقوق عقب می‌افتاد، می‌گفتند تحمل کنی تا کار گاه تعطیل نشود. وقتی کار گاه تعطیل شد، گفتند خودتان قبول کردید مدتی نیابید». حمید پاسخ می‌دهد: «اگر همان روز اول همه را اخراج می‌کردم، می‌گفتند کار فرما یی رحم است، وقتی مرخصی و کاهش شیفیت پیشنهاد دادم، گفتند حقوق کامل می‌خواهیم. من هم قبول دارم کار گر باید زندگی کند اما بنگاهی که فروش ندارد با دستور زنده نمی‌ماند».

مساله درست همین جاست: فشار اقتصادی به بنگاه یک واقعیت است اما نباید به انتقال تمام هزینه بحران به کار گر تبدیل شود. از سوی دیگر، دفاع از امنیت شغلی نیز بدون طراحی حمایت برای کار گاه‌های آسیب‌دیده ممکن است فقط تعطیلی بنگاه را چند ماه عقب بیندازد.

«مریم» در یک مجموعه گردشگری کاری کرد. قرار داد سه ماهه داشت و هنگام استخدام چند بر گه را بدون دریافت نسخه امضا کرد. پس از جنگ فعالیت مجموعه کاهش پیدا می‌کند. مدیر به او می‌گوید فعلاً نیاز ی به حضورش نیست و برای تسویه حساب باید بر گه‌ای را امضا کند. چند هفته بعد، مریم برای بیمه بیکاری اقدام می‌کند اما متوجه می‌شود یکی

کار گری می‌گوید تا وقتی شاغل بود، حقوقش به آخر ماه نمی‌رسید و حالا که بیکار شده، بیمه بیکاری اش به چند روز اول ماه بیشتر نمی‌رسد. کار فرما اما دفتر حسابدش را جلومی‌گذارد و می‌گوید فروش کم شده، هزینه‌ها بالا رفته و نگه داشتن همان شغل نیز دیگر آسان نیست. میان این دو روایت، پرونده‌ای مانده که باید مشخص کند پایان همکاری «استعفا» بوده یا «اخراج»؛ پرونده‌ای که قبض اجاره و هزینه خوراک منتظر نتیجه آن نمی‌ماند.

به گزارش اقتصادنیوز، رضا هشت سال در یک کار گاه قطعه‌سازی کار کرده. صبح زود از خانه بیرون می‌رفته، اضافه کاری می‌مانده و گاهی جمعه‌ها نیز سر کار حاضر می‌شده. تا چند ماه قبل، مشکل اصلی او بیکاری نبود؛ مشکل این بود که با وجود داشتن شغل، باز هم نمی‌توانست مخارج خانواده‌اش را پوشش دهد. می‌گوید: «دو ماه حقوق‌مان عقب افتاد. بعد گفتند بازار خراب است و باید مدتی نصف شیفیت کار کنیم. قبول کردیم چون فکر می‌کردیم نصف حقوق بهتر از بیکاری است اما خرش گفتند فعلاً نیاید».

آن طرف میز «حمید» صاحب همان کار گاه ۱۲ نفره، حرف دیگری دارد: «سفارش‌ها کم شد، مواد اولیه را باید نقد می‌خریدیم، مشتری‌ها پولشان را دیر می‌دادند و حقوق کار گر را باید سه ماه پرداخت می‌کردیم. من کار گر را دشمن خودم نمی‌دانم ولی وقتی پولی وارد حساب بنگاه نمی‌شود، حقوق از کجا

اخبار کار گری

دستور استاندارد برای بازگشت به کار کارگران لایروبی آبفای اهواز و ماهشهر

در پی انتشار اخبار مربوط به تعدیل حدود ۳۵ نفر از کار گر ان پیمانکاری بخش لایروبی شر کت آب و فاضلاب در شهرهای اهواز و ماهشهر، استاندار خوزستان با ورود به این پرونده، دستور بازگشت به کار ی قید و شرط این نیروها را صادر کرد. به گزارش ایلنا، در روزهای گذشته، گزارش‌هایی مبنی بر بیکاری این گروه از کار گر ان در فضای مجازی منتشر شد. این افراد از یکم تیر ماه سال جاری در حالی با حکم تعدیل مواجه شده بودند که در سخت‌ترین شرایط اقلیمی، از جمله گرمای ۵۵ درجه و رطوبت ۹۰ درصد، مسئولیت پاکسازی و لایروبی کانال‌های فاضلاب شهری را بر عهده داشتند. کار گر ان پیمانکاری لایروبی ابفا اظهار داشتند: در شرایطی که انتظار می‌رفت با توجه به حجم بالای کار و فعالیت در وضعیت طاق‌فربسا، امنیت شغلی و معیشتی ما تقویت شود، کار فرما در کمال ناپاوری اقدام به تعدیل ما کرد. این کار گر ان با توصیف شرایط کاری سخت خود تأکید کردند که با وجود تمام سختی‌ها برای جلوگیری از بروز مشکلات شهری تلاش کرده‌اند و بیکاری ناگهانی، فشار روانی و معیشتی زیادی به خانواده‌های آنان وارد کرده است.

کارگران دخانیات گلستان در انتظار تبدیل وضعیتند

جمعی از کار گر ان پیمانکاری دخانیات استان گلستان از اجرا نشدن مصوبه تبدیل وضعیت خود انتقاد دارند و می‌گویند با گذشت پنج سال، همچنان وضعیت شغلی ۲۵ نفر از آنها با تکلیف مانده است. به گزارش ایلنا، این کار گر ان با اشاره به مصوبه سال ۱۴۰۰ شرکت دخانیات گفتند: بر اساس این مصوبه، قرار بود همه کار گرانی که قرار داد یک‌ساله دارند، در سراسر کشور و با بر دامالی انجام شده، تبدیل وضعیت شوند اما این تصمیم در مورد ۲۵ نفر از کار گر ان دخانیات گلستان اجرائی نشده است. کار گر ان دخانیات گلستان ادامه دادند: روند اجرای این بخشنامه تا سال ۱۴۰۱ در حال انجام بود اما در همان سال، پس از خودسوزی یکی از همکاران، مدیر مجتمع گلستان برکنار شد. از آن زمان، پیگیری موضوع تبدیل وضعیت ما نیز متوقف شد چرا که مدیر قبلی پیگیر اصلی این مساله بود. آنها افزودند: پس از انتصاب مدیر جدید، مخالفت با این طرح آغاز شد. فهرستی که در ابتدا شامل ۵۶ نفر بود، بعد از بررسی‌های مجدد در تهران به ۲۵ نفر کاهش یافت. این ۲۵ نفر پیش از این همه مراحل تأیید از جمله امضای مدیر عامل و بررسی‌های حراست را پشت سر گذاشته بودند اما با این حال، اجرای طرح برای آنها متوقف شد. این کار گر ان با اشاره به اینکه بخشنامه یادشده در سایر مجتمع‌های کشور اجرا شده، تأکید کردند: فقط در دخانیات گلستان این مصوبه روی زمین مانده است. در حالی که همه مراحل قانونی برای این ۲۵ نفر تکمیل شده، همچنان از اجرای آن جلوگیری می‌شود.

تجمع کارگران ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز



تجمع اعتراضی کار گر ان ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز که از چند روز پیش در واکنش به پرداخت نشدن مطالبات مزدی آغاز شده بود، دیروز نیز در محوطه داخلی شرکت ادامه داشت. به گزارش ایلنا، کار گر ان شاغل در این واحد صنعتی علت استمرار این دوره از تجمعات خود را عدم امنیت شغلی و بی توجهی مدیریت کارخانه به پرداخت حقوق‌های معوقه اعلام کردند. به گفته آنان، حدود ۳۵۰ کار گر این مجموعه دستمزد ماه‌های خرداد و تیر سال جاری را دریافت نکرده‌اند و مدیریت کارخانه همچنان کمبود منابع مالی را بهانه تأخیر در پرداخت حقوق کار گر ان قرار می‌دهد. کار گر ان اشاره کردند که با وجود برگزاری جلسه‌ای میان مسئولان استانی و کار فرما در روزهای گذشته و وعده پرداخت بخشی از بدهی‌ها، هنوز هیچ مبلغی به حساب کار گر ان واریز نشده است. این افراد با اشاره به شرایط سخت اقتصادی و خالی شدن سفره‌های کار گر ان تأکید کردند که برگزاری تجمع، آخرین راهکار آنها برای جلب توجه مسئولان به وضعیت بحرانی معیشت است.

طی چند روز گذشته، دو راننده تراکتور در دو حادثه جداگانه رانندگی در مناطق کشاورزی روستایی میانه، جان خود را در دست دادند. به گزارش ایلنا، در حادثه اول که در روستای «دوزنان» شهرستان میانه به وقوع پیوست، یک راننده تراکتور حدوداً ۱۸ ساله بر اثر واژگونی تراکتور و شدت جراحات وارده، در محل حادثه جان خود را از دست داد. در حادثه دیگری که در روستای سیفالدین از توابع بخش کندوان به وقوع پیوست، کار گر کشاورز دیگری حین کار دچار حادثه واژگونی تراکتور شده و بعد از انتقال به بیمارستان به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد.

مرگ راننده کمباین بر اثر واژگونی

روز جمعه یک راننده کمباین که در حال تردد برای اجرای فعالیت کشاورزی در محور جاده زنجان به ماهنشان (محدوده جاده روستای قره کول) بود، به پایین دره سقوط کرد و جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، ماموران انتظامی پس از حضور در محل، پیکر این راننده کمباین به نام «توکل نامور» را که از اهالی روستای خروسلو شهرستان بیله‌سوار معان است، به عوامل پزشکی قانونی تحویل دادند.